

The effects of government civil responsibility in Iran's legal system

Amin Rostami¹, Afshin Jafari^{2*}, Amir Mohammad Sediqian³

1 .PhD student in public law, Meibod branch, Islamic Azad University, Meibod, Iran.

2 .Associate Professor, Department of Law, Faculty of Social Sciences, Payam Noor University, Tehran, Iran: (corresponding author).

3. Assistant Professor of Law Department, Meibod Branch, Islamic Azad University, Meibod, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 533-550

Article history:

Received: 1 Sep 2022

Edition: 10 Nov 2022

Accepted: 2 Jan 2023

Published online: 5 Mar 2023

Keywords:

Government, Responsibility, Iran's legal system, Compensation.

Corresponding Author:

Afshin Jafari

Address:

Faculty of Social Sciences,
Department of Law, Payam Noor
University, Tehran, Iran.

Orchid Code:

0000-0002-4251-5374

Tel:

09165758194

Email:

jafariafshin@pnu.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aim: Civil liability is one of the most important issues in the world of law, which has a special place for legal and natural persons, as well as governmental and non-governmental entities. The purpose of this research is to investigate the effects of government civil responsibility in Iran's legal system.

Materials and Methods: This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

Findings: The findings of the present research show that previously, the principle of the necessity of compensating damages existed only in relation to the actions of the government but currently, the aforementioned principle can be applied both to the acts of sovereignty and to the acts of the government.

Ethical Considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Conclusion: Despite the fact that there is a principle of the necessity of compensating damages in relation to governance and management practices, but the effects of this principle are different in the aforementioned fields. In the field of entrepreneurship, the principle is to restore the previous situation; While in the sphere of sovereignty, the principle is on the payment of compensation.

Keywords: Government, Responsibility, Iran's legal system, Compensation.

Cite this article as:

Rostami A, Jafari A, Sediqian AM. The Effects of Government Civil Responsibility in Iran's legal System. *Economic Jurisprudence Studies*. 2022.

فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره چهارم، شماره پیاپی ۵، سال ۱۴۰۱

آثار مسئولیت مدنی دولت در نظام حقوقی ایران

امین رستمی^۱، افشین جعفری^۲، امیرمحمد صدیقیان^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران.

۲. دانشیار گروه حقوق، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

۳. استادیار گروه حقوق، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: مسئولیت مدنی یکی از موضوعات بسیار مهم در عالم حقوق است که برای تابعان حقوق اعم از اشخاص حقوقی و حقیقی و نیز اشخاص دولتی و غیر دولتی دارای جایگاه ویژه‌ای است. هدف از پژوهش حاضر بررسی آثار مسئولیت مدنی دولت در نظام حقوقی ایران است.

مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر از نوع نظری و روش آن به صورت توصیفی-تحلیلی است. ابزار گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتاب‌ها و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که پیش‌تر، اصل لزوم جبران خسارات صرفاً در ارتباط با اعمال تصدی‌گری دولت بود؛ اما در حال حاضر اصل مزبور هم در قبال اعمال حاکمیتی و هم اعمال تصدی‌گری دولت قابل اعمال است.

نتیجه‌گیری: برخلاف اینکه اصل لزوم جبران کامل خسارت در ارتباط با اعمال حاکمیتی و تصدی‌گری وجود دارد، اما آثار این اصل در حوزه‌های مزبور متفاوت است، در حوزه تصدی‌گری، اصل بر اعاده به وضع سابق است؛ در حالی که در حوزه حاکمیتی اصل بر پرداخت غرامت است.

واژگان کلیدی: دولت، مسئولیت، نظام حقوقی ایران، جبران خسارت.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۵۳۳-۵۵۰

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۰

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۸/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۱۴

واژگان کلیدی:

دولت، مسئولیت، نظام حقوقی ایران، جبران خسارت.

نویسنده مسئول:

افشین جعفری

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه پیام نور، دانشکده علوم اجتماعی، گروه حقوق.

تلفن:

۰۹۱۶۵۷۵۸۱۹۴

کد ارکید:

0000-0002-4251-5374

پست الکترونیک:

jafariashin@pnu.ac.ir

۱. مقدمه

دولت در قالب نگهبان نظم عمومی دارای، حوزه‌های فعالیت بسیار گسترده‌ای است. فعالیت‌ها، اقدامات و برنامه‌های دولت که به‌منظور اجرای سیاست عمومی آن است، به‌دست کارکنان و کارمندان سازمان‌های دولتی صورت می‌پذیرد که بررسی چگونگی جبران خسارات ناشی از اعمال ایشان، موضوع بحث مسئولیت مدنی دولت است. در بیان مفهوم مسئولیت مدنی دولت می‌توان گفت: الزام دولت در قبال شخص زیان‌دیده در پرداخت غرامت زیان وارده به او که ناشی از عمل غیر قانونی منتسب به دولت یا عمل غیر قانونی او (دولت) و یا تکلیف دولت است به پرداخت غرامت زیان‌دیده که به‌موجب قانون مقرر شده است.

جبران خسارت غایت قواعد مسئولیت مدنی است. شیوه‌های مؤثر و متناسب با وضعیت فعلی جبران خسارت دولت، اعم از مادی و معنوی در فضای تصدی‌گری دولت و وظیفه آن است. دولت در صورت جبران خسارت عمدی، موظف به رد عین و از بین بردن منبع ضرر به‌مثابه شیوه‌هایی برای بازگرداندن وضع پیشین زیان‌دیده است. تأدیه بدل در قالب تنها راه جبران خسارت در فرض عدم امکان بازگرداندن عین مال مورد بررسی قرار گرفته است. در همین راستا جبران خسارات معنوی دولت و عدم نفع نیز باید جبران شود. مسئولیت مدنی در معنای عام آن، شامل مسئولیت قراردادی و مسئولیت غیر قراردادی می‌شود. اگرچه درباره مسئولیت قراردادی و مسئولیت غیر قراردادی بحث‌های زیادی وجود دارد؛

اما در یک بیان کلی، شامل هر گونه غرامت می‌شود. زمانی که از مسئولیت مدنی دولت سخن به میان می‌آید، مقصود از بحث، دو مفهوم کلی است: مفهوم اول، مسئولیت مدنی دولت ناشی از اراده یا عمل حاکمیت یا مدیریت نهاد دولتی است. مفهوم دوم، مسئولیت مدنی دولت ناشی از اراده یا فعل یا ترک فعل کارکنان دولت در اثر اعمالی است که این کارمندان درباره افراد انجام می‌دهند. مسئولیت مدنی دولت، اصل پاسخ‌گویی و لزوم جبران خسارات دولت و مسئولان آن در مقابل اشخاص حقیقی یا حقوقی است. اگر دولت در اعمال حاکمیت خسارت وارد کند، پاسخ‌گوی جبران آن نخواهد بود. در توضیح، این نکته را باید مدنظر قرار داد که اقدامات انجام‌شده توسط هر دولتی را می‌توان به دو نوع تقسیم کرد. در صورتی که دولت به نفع عموم و در راستای انجام وظایف خود به‌مثابه مرجع حاکم، اقداماتی را انجام دهد، این اقدامات اعمال حاکمیت نامیده می‌شود. اما از سوی دیگر گاهی دولت اقداماتی را با هدف کسب سود و کسب‌وکار انجام می‌دهد. به این اعمال، اقدامات تصدی‌گری می‌گویند. بنابراین اگر دولت در راستای منافع عمومی اقدامی انجام دهد، حتی اگر آن اقدام منجر به خسارت شود، مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود. البته، صلاحیت قضایی و سایر قوانین حتی در این اقدامات تا حد امکان از ملت حمایت می‌کند. مثلاً در لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت حتی در مقام اعمال حاکمیت،

در تمام مراحل نوشتن پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۳. مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نوع نظری و روش آن به صورت توصیفی-تحلیلی است. ابزار گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتاب‌ها و مقالات صورت گرفته است.

۴. یافته‌های تحقیق

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که پیش‌تر، اصل لزوم جبران خسارات صرفاً در ارتباط با اعمال تصدی‌گری دولت بود؛ اما در حال حاضر اصل مزبور هم در قبال اعمال حاکمیتی و هم اعمال تصدی‌گری دولت قابل اجرا است.

۵. بحث

۵-۱. جبران خسارت ناشی از اعمال دولت

نظریه تفکیک میان اعمال حاکمیتی و اعمال تصدی، هرچند به دلیل انتقادهایی که در قرن نوزدهم به آن وارد شده است در کشورهای غربی از جمله فرانسه محدود شده است (کروتز، ۲۰۲۰، ۱۱-۱۳)؛ اما در قانون مسئولیت مدنی سال خورده ایران هنوز موجود است و با وجود سه شرط (ضرورت، مصلحت داشتن برای تأمین منافع و مصالح عمومی و قانونی بودن)،

دولت مکلف به جبران خسارات وارده است. پرسشی که مطرح می‌شود این است که آثار مسئولیت مدنی دولت در نظام حقوقی ایران چگونه است؟

در زمینه پیشینه پژوهش حاضر می‌توان به مقاله واعظی با عنوان «معیار عمل حاکمیت در حقوق اداری ایران» اشاره کرد. از نظر این نویسنده، معیار عمل حاکمیت، در نقش معیار تعیین صلاحیت قضایی و معیار مسئولیت مدنی دولت در سیر تحولات حقوقی منسوخ شده است و در حوزه‌های مسئولیت کیفری و سازمانی و استخدامی نیز برخلاف اعتبار قانونی معیار مذکور، به دلیل ابهامات موجود در مفهوم و مصداق آن، در عمل فاقد کارایی حقوقی و قضایی است و اثر آن صرفاً به حوزه سیاست‌گذاری محدود می‌شود. اغلب پژوهش‌های موجود با این فرضیه طراحی و ارائه شده‌اند که قلمرو مسئولیت دولت محدود به اعمال تصدی‌گری آن است؛ در حالی که مبنای پژوهش حاضر بر این امر استوار است که آثار مسئولیت مدنی دولت بسته به نوع اقدام دولت متفاوت خواهد بود. در فضای اعمال حاکمیتی، اثر اصلی مسئولیت دولت پرداخت غرامت در قالب جبران خسارات است؛ ولی در فضای اعمال تصدی-گری، اثر اصلی مسئولیت دولت، اعاده به وضع سابق ماست. همین موضوع نیز در واقع نوآوری پژوهش حاضر محسوب می‌شود.

۲. ملاحظات اخلاقی

نفع دولت و دیگر مردم، منطق قانع کننده و مدرکی ندارد. این امر نشان می دهد قانون گذار پس از انقلاب اسلامی از دیدگاه قبلی خود به ویژه در حوزه اجرایی و قضایی دچار انحراف شده است. قواعد فقهی مانند «احترام» و «لاضرر» در کنار لزوم تقسیم خسارات ناشی از اعمال حاکمیت بر اساس مصالح عمومی از جمله اصول تقویت کننده انحراف قانون گذار است (سامانی و دیگران، ۱۴۰۰، ۸۴).

۵-۲. خسارت دولت ناشی از اعمال حاکمیتی

در قسمت دوم ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، معافیت دولت از پرداخت خسارت در موارد اعمال حاکمیت به شرح زیر مورد تصریح قرار گرفته است: «هرگاه اقدامات لازم برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون و موجب زیان دیگری شود، دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود».

به این ترتیب مسئولیت دولت با دوره تصدی محدود می شود. رفتار بخش های مختلف حکومت ممکن است در عمل به مردم آسیب برساند. معمولاً این پرسش مطرح می شود که دولت در چه مواردی و تا چه حد مسئول اقدامات زیان بار خود است؟ پاسخ معروفی که به استناد ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی به این پرسش داده می شود این است که اقدامات دولت مصون از خسارات است و مسئولیت دولت به معنای عام، محدود به اعمال اداری ناشی از تقصیر اداری است. هرچند به نظر می رسد اگر در جریان این اعمال حکومتی خسارتی به شخصی وارد شود و متضرر بتواند تقصیر عمدی مأمور دولت (کارمند-کارمند) را در تخلف از مقررات و برای آسیب رساندن به خود ثابت کند، امکان رفع خسارت طبق صدر ماده

دولت مسئولیتی نخواهد داشت (صادقی مقدم و دیگران، ۱۳۹۰، ۲۳۹).

نظریه «مصونیت دولت از مسئولیت»، حتی مصونیت مطلق دولت، نظریه غالب سالیان متمادی بود و با این رویکرد، قواعدی وضع شد که دولت مطلقاً، یا در اعمال حاکمیت خود، مطلقاً فاقد مسئولیت بود (یانگ، ۲۰۱۲، ۶۱-۶۳). از سوی دیگر، مفاد ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی ایران نیز متأثر از این اندیشه است. با وجود این، بیش از چند دهه است که این نظریه جای خود را به نظریه های دیگری داده است که اصل را بر عهده همه افراد از جمله دولت قرار می دهد و اکثریت قریب به اتفاق قوانین کشورها بر این اساس تغییر کرده است (سیمپسون، ۲۰۲۱، ۱۰۶). در ایران، حقوق دانان با آگاهی از این موضوع و نقشی که رویکرد جدید می تواند در توسعه و پیشرفت جامعه ایفا کند، بر این باورند که قوانین مربوط به مسئولیت مدنی دولت و نهادهای عمومی باید اصلاح شود. امروزه بر همین اساس گفته می شود که یکی از ضروریات زندگی اجتماعی، مسئولیت بدون تقصیر دولت است؛ چنان که می توان این اصل را یکی از آثار عمده حاکمیت قانون و برابری در برابر قانون دانست. بنابراین می توان خسارت های مادی و معنوی و منافع احتمالی دولت را جبران کرد. البته در این زمینه، دولت بر اساس ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی در قبال رفتارهای حاکمیتی از جبران خسارت اعمال خود مصون است و مسئولیت دولت به معنای عام محدود به اقدامات اداری ناشی از امور اداری است. معافیت دولت از مسئولیت در رابطه با اعمال دولت، با احکام اساسی و دیرپای فقهی و اصول معروف و اساسی مسئولیت مدنی از جمله اصل جبران کامل خسارت منافات دارد. تحمیل خسارت به قربانی به

در نحوه تصمیم‌گیری، اجرا یا نظارت نباشد(بوگی، ۲۰۱۹، ۱۱۱-۱۱۲).

۵-۲-۲. مبنای اضطراب اجتماعی

ممکن است اقدام در حوزه موضوعات حکومتی بر اساس اورژانس اجتماعی و ضرورت در انجام این گونه اقدامات صورت گیرد. در این صورت حتی اگر لازم باشد برای حفظ حقوق عمومی و مصالح جمعی کاری انجام شود، طبق نظر حفظ مصالح عمومی به‌نحو مذکور، «موجب بطلان حقوق دیگران نمی‌شود». طبق قاعده، نمی‌توان اجازه تضییع حق داد. البته باید توجه داشت که در برخی موارد، اقدام دولت برای تأمین نظم عمومی ممکن است منجر به تصمیمات فوری، گسترده و غیر قانونی شود و باید مسئولیت دولت در نظر گرفته شود. برخی از حقوق‌دانان معتقدند اگر به دلیل سیاست‌های امنیتی از راه‌پیمایی پیش‌گیری شود؛ اما گروهی راه‌پیمایی کنند و دولت مجبور به اقدامات مضر شود؛ اگرچه اعمال حکومت ریشه در حاکمیت دارد، اما اگر خارج از چارچوب قوانین باشد، دولت مسئول جبران آن است. این امر خالی از اشکال نیست(پروست، ۲۰۱۷، ۳-۴)؛ زیرا از یک سو، اضطراب مبنای اقدامات دولت است و از سوی دیگر، معترض خود را در معرض آسیب قرار داده است که از طریق قاعده اقدام، مسئولیت دولت را در قبال معترض ساقط می‌کند. همچنین قاعده تحذیر بر عدم ضمانت دلالت دارد؛ چون دولت از قبل هشدار داده است(ابوالحمد، ۱۳۷۰، ۴۲۰). بنابراین، نبود ضمان دولت از سه پشتوانه محکم برخوردار می‌شود.

۵-۳. جلوه‌های مسئولیت دولت و شیوه‌های جبران خسارت

فوق‌الذکر بعید است و دور از انتظار نیست. بدیهی است در دعوی مسئولیت مدنی، متضرر باید بتواند رابطه سببیت فعل زیان‌بار اداره را با خسارت وارده به وی اثبات کند؛ زیرا در غیر این صورت، طرف ادعای خود نخواهد بود. در این زمینه، ذکر این نکته ضروری می‌رسد که امروزه در خصوص ضرر و زیان ناشی از دادرسی که در نظر اغلب حقوق‌دانان حوزه حقوق عمومی، از اهم اعمال حاکمیتی محسوب می‌شود(رویس، ۲۰۱۹، ۱۱-۱۲). اگر متضرر بتواند تقصیر یا اشتباه در زمینه آسیب رساندن به خود را به قاضی ثابت کند، طبق اصل ۱۷۶ قانون اساسی، می‌تواند خسارت وارده به خود را مطالبه کند. اگرچه در این زمینه تا کنون رویه منطقی و قابل قبول یا قانونی که نحوه اجرای اصل مذکور را مشخص کند، تصویب نشده است؛ اما پیش‌بینی می‌شود در آینده چنین تحولی رخ دهد(فیروزآبادی و دیگران، ۱۳۹۹، ۱۴۵).

۵-۲-۱. نظریه تعمیم در مسئولیت دولت

بر اساس نظریه تعمیم، اول اینکه، مسئولیت دولت محدود به اقدامات اداری نیست و شامل اقدامات دولتی نیز خواهد شد. دوم اینکه، دلایل موجهی مانند خیرخواهی دولت(قاعده احسان) یا قاعده اذن، ضمانت دولت را ساقط نمی‌کند. سوم اینکه، صرف‌نظر از دخالت مستخدم، دولت در معرض مسئولیت است و در نهایت تقصیر کارمند و دخالت او در ضرر ممکن است در برقراری ضمانت و امکان رجوع دولت به او مؤثر باشد؛ اما تقصیر کارمند، نباید دلیلی بر معافیت دولت در برابر خسارت وارده تلقی شود. البته نمی‌توان اعمال عمدی را استثنا کرد؛ مشروط بر اینکه وقوع این نوع اقدامات، مربوط به کوتاهی دولت

۵-۳-۱. مسئولیت مدنی ناشی از اعمال

تقنینی

موضوع این است که اگر بر اثر وضع قانون از جانب قوه مقننه، زیانی به شخصی وارد شود، آیا مجلس شورای اسلامی در این باره، مسئولیت دارد یا خیر؟ فرض وجود این نوع مسئولیت، شامل شورای نگهبان یعنی رکن مکمل قوه مقننه نیز می‌شود. این مسئولیت مربوط به اختیارات این شورا برای اعلام مغایرت یا نبود مغایرت مصوبات و قوانین مجلس با شرع و قانون اساسی است. در پاسخ به این سوال دو دیدگاه قابل طرح است: دیدگاهی که بر اساس برخی مبانی نظری و اشکالات حقوقی مسئولیت مدنی دولت را در این خصوص رد می‌کند و از سوی دیگر دیدگاهی که بیان می‌دارد دولت در این زمینه مسئول مدنی مبتنی بر اصول اساسی است. طبق ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، دولت فقط در قبال اعمال اداره خود پاسخ‌گو و مسئول است و مسئولیتی در قبال خسارات ناشی از اعمال حاکمیتی ندارد. بنابراین اگر شخص یا اشخاصی از نطق مجلس نمایندگان یا تصمیم تقنینی آن‌ها آسیب ببینند، این خسارت قابل جبران نیست؛ زیرا اقدامات تقنینی ناشی از فعالیت مجلس، دولت، مجمع تشخیص مصلحت نظام یا سایر نهادهای رسمی که حق قانون‌گذاری دارند، اعمال حاکمیتی محسوب می‌شود و مسئولیت دولت، ناشی از اعمال حاکمیت آن نیست. از نظر آن‌ها وقتی تک‌تک نمایندگان مجلس درباره اقدامات مربوط به نمایندگی خود مصونیت دارند، اقدامات دسته‌جمعی آن‌ها به طریق اولی، قابل تعقیب نیستند و به لحاظ عملی، با توجه به قوانین جاری جمهوری اسلامی، امکان مطالبه خسارت از دولت از نظر قانون‌گذاری وجود ندارد. اول اینکه،

مسئولیت ناشی از اعمال اجرایی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: دسته اول: در این دسته، مسئولیت مدنی دولت با «قصور اداری»، مسئولیتی بر اساس سازوکار دو مرحله‌ای است. در مرحله اول، احراز مشروعیت تصمیم یا اقدام مؤسسه یا ارگان دولتی یا کارمند دولت و در مرحله دوم تعیین میزان است (فرگوسن، ۲۰۰۶، ۹-۱۱). مطابق ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آئین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲، تعیین میزان خسارات وارده از ناحیه مؤسسات و اشخاص مذکور در بندهای ۱ و ۲ این ماده پس از صدور رأی در دیوان بر وقوع تخلف با دادگاه عمومی است. رسیدگی دیوان، محدود به اعمال تقصیرآمیز دولت است و وظیفه دیوان، مطابق تبصره ۱ ماده ۱۰، تنها بررسی و احراز این نکته است که آیا عمل زیان‌بار بوده است یا خیر؟ و بعد از تصدیق خطای اداری دولت، حکم مبنی بر محکومیت دولت به جبران خسارت، بر عهده دادگاه عمومی است. دسته دوم، مواردی است که خسارت مبتنی بر تقصیر اداری نیست. در این موارد، دیوان عدالت اداری نقشی در رسیدگی به دعوا ندارد و زیان‌دیده می‌تواند برای جبران خسارت خود، مستقیم در مرجع عمومی علیه دولت طرح دعوا کند؛ بدون آنکه ابتدا الزامی به طرح دعوا در دیوان عدالت اداری داشته باشد. همچنین رسیدگی به دعاوی ناشی از لطمات وارده به حقوق عینی اشخاص توسط دولت، در صلاحیت دادگاه‌های دادگستری است؛ زیرا در این گونه دعاوی نیز اثبات خطای اداری ضرورتی ندارد (جلالی، ۱۳۹۶، ۸۶).

۱۳۳۹ پذیرفته شده بود، با توجه به قضاوت و اقدامات قضایی و نبود مسئولیت مدنی دولت کنار گذاشته شد و در اعمال حکومت با یک استثنا مواجه شد. اصل ۱۷۱ قانون اساسی بیان می‌دارد: «اگر بر اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع، حکم یا در تطبیق حکم در مورد معینی، خسارت مادی یا معنوی به شخصی وارد شود، در صورت تقصیر، مقصر از نظر موازین اسلامی ضامن است. در غیر این صورت، دولت خسارت وارده را جبران می‌کند. در موارد آسیب معنوی، اگر تقصیر یا اشتباه قاضی موجب از بین رفتن حیثیت او شود، باید آن را اعاده کرد». بر اساس این اصل، مسئولیت مدنی برای قضاوت مقصر در برابر زیان‌دیده پیش‌بینی شده است. این جبران می‌تواند هم درباره تصمیمات کیفری و هم درباره تصمیمات حقوقی، مدنی و اداری انجام شود. قربانی، دعوی خسارت یا ضرر را در دادگاه عمومی مطرح می‌کند (بوشهری، ۱۳۵۱، ۳۳).

۵-۳-۳. جبران خسارت

شریعت اسلامی در نخستین سال‌های پیدایش خود با طرح اصل «لاضرر و لااضرار در اسلام» رکن اصلی مسئولیت مدنی را پایه‌گذاری کرد. عبارت لاضرر و لااضرار که از حدیث معروف نبوی است، بیانگر نفی هر گونه ضرر در اسلام است. قاعده ضرر یکی از احکام مشهور فقهی است که در اکثر ابواب فقهی به کار می‌رود و اصل آن این است که ضرر در اسلام مشروع نیست و هر ضرری در اسلام نفی می‌شود. بر این اساس است که قاعده دوم، یعنی اصل لزوم جبران خسارت معنا می‌یابد. بر این اساس، هر کس به هر نحوی اعم از لفظی، فعلی یا ترک فعلی، به دیگری ضرر مادی یا معنوی وارد کند، مسئول جبران

قضاوت دادگاه‌ها با وجود مراجعی، مثل شورای نگهبان تمایلی به اظهار نظر در زمینه مطابقت قوانین عادی با قانون اساسی ندارند. دوم اینکه، دیوان عدالت اداری در قالب مرجع تشخیص اقدامات زیان‌بار دولت، به نظر هیئت عمومی دیوان عدالت اداری مربوط به سال ۱۳۶۱، از نظریه عدم تجدید نظرخواهی قوانین مصوب شماره ۱۳۶۱ پیروی کرد و خود را از اختیار ارزیابی قوانین عادی محروم کرد (غمامی، ۱۳۷۶، ۵۵).

۵-۳-۲. مسئولیت مدنی ناشی از اعمال

قضایی

از دیگر اقدامات دولت به معنای عام و اموری که مربوط به اداره کشور و حاکمیت است، امور مربوط به عدالت و حل و فصل اختلافات بین مردم توسط محاکم دادگستری است و این سؤال را مطرح می‌کند که آیا خسارات ناشی از اعمال قضایی دولت قابل جبران است؟ آیا دولت وظیفه جبران خسارت دارد یا خیر؟ خسارات ناشی از امور مانند امتناع یا تأخیر در رسیدگی به شکایات یا دادخواست‌ها یا صدور حکم، صدور و اجرای احکام غیر عادلانه و غیر قانونی در امور مدنی و کیفری به دلیل ضعف دستگاه قضایی یا تقصیر یا اشتباه قاضی قابل مطالبه است یا نه؟ این پرسش از منظر فقهی، حقوقی و بین‌المللی در خور توجه است. در منابع فقهی، به مسئولیت مدنی قضاوت به طور مبسوط اشاره شده است و در ادله «تسبیب» و «لاضرر»، این مسئولیت با چنین قواعدی ثابت شده است. با تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۸ و اختصاص اصل ۱۷۱ قانون اساسی به مسئولیت مدنی قاضی، نظریه تفکیک تصدی و اختیار که در ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب

خسارت ناشی از فعل یا ترک فعل خود؛ اعم از اینکه فعل، ناشی از اقدام اشخاص حقیقی یا حقوقی باشد، یا اینکه آیا شخص مزبور یک نهاد مشمول حقوق خصوصی یا حقوق عمومی است. با این توصیف است که می‌توان گفت در بیشتر نظام‌های حقوقی از جمله شریعت اسلام، دربارهٔ قاعدهٔ مسئولیت، یک نگاه عمیق وجود دارد. در قرآن کریم ۵ بار کلمهٔ مسئول به‌کار رفته است و در روایات نیز کلمهٔ مسئول آمده است. پیامبر اکرم(ص) در حدیث معروفی که مسئولیت اجتماعی را نشان می‌دهد می‌فرماید: «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت» (دیلمی، ۱۴۰۹، ۱۸۴؛ مجلسی، ۱۳۱۵، ۷۲، ۳۸؛ دیلمی، ۱۴۱۲، ۱، ۱۸۴؛ شعیری، ۱۴۱۰، ۱۱۹؛ شهید ثانی، ۱۴۰۱، ۳۸۱) و این نزدیک به مفهومی است که امروز از طرف مسئول به ذهن‌خاطر می‌کند.

در مسئولیت مدنی این امر در قالب قاعده‌ای پذیرفته شده است که هر کس به دیگری ضرر وارد کند، باید آن را جبران کند. دولت یک نهاد سیاسی است که با قدرت و اقتدار سیاسی در هم آمیخته است. تعهد دولت به پرداخت غرامت به اشخاص خصوصی، به-مثابه مسئولیت مدنی دولت تعبیر می‌شود. هرچه به دولت در امور جامعه نقش بدهیم، مسئولیت مدنی آن را محدود کرده‌ایم. اگر هدف اصلی قواعد مسئولیت مدنی را جبران خسارات وارده و اعاده خسارت بدانیم، در نظر برخی از علمای حقوق، دولت از این قاعده مستثنی نخواهد بود. به‌ویژه با توجه به نقشی که دولت‌های امروزی در جامعه ایفا می‌کنند و حسب مقتضی در همهٔ امور اجتماعی دخالت می‌کنند و امکان انجام این‌گونه اقدامات برای آن‌ها تضمین می‌شود. برای مثال، «باید خسارت مادی ناشی از توقف فعالیت اقتصادی افراد و یا خسارات

معنوی ناشی از کسر حیثیت و اعتبار اجتماعی افراد را جبران کنند». مسئولیت دولت در قبال اعمال کارکنان خود یک مسئولیت مستقیم است. نظریهٔ مسئولیت دولت یا دولت به‌معنای عام یا بیت‌المال به‌جای کارمندان دولت، نظریه‌ای است که در آثار نویسندگان دربارهٔ کارمندان دولت و قضات دیده می‌شود. قاعدهٔ مسئولیت دولت به‌جای کارمندان را می‌توان در قوانین ما، در مسئولیت مدنی قضات مشاهده کرد که در اصل ۱۷۱ قانون اساسی پیش‌بینی شده است و یکی از بارزترین جلوه‌های مسئولیت مدنی دولت (به‌معنای عام) است. اصل ۱۷۱ مقرر می‌دارد: «هرگاه به‌سبب تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در اجرای حکم در مورد معینی، ضرر مادی یا معنوی به کسی وارد شود، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت، خسارت را دولت پرداخت می‌کند و جبران می‌شود». البته فقها تصریح کرده‌اند که اگر برای مثال، قاضی بدون مطالعهٔ کتب و رویهٔ قضایی و بدون مشورت با همکاران خود تصمیم ناروا بگیرد یا اعمالی که عرف قضایی آن را نمی‌پسندد انجام دهد، تقصیر باید عمدی تلقی شود (کاتوزیان، ۱۳۹۷، ۱۵۹).

۵-۳-۴. روش‌های جبران خسارت

دربارهٔ شیوه‌های ارزیابی خسارت وارده بر طبق قوانین در ایران، پنج شیوه برای پرداخت خسارت در قوانین موضوعهٔ ایران توسط قانون‌گذاران پیش‌بینی شده است که به شرح زیر هستند: الف. قیمت توافقی، ب. قیمت کارشناسی، ج. قیمت روز، د. قیمت عادلانه، ه. قیمت منطقه‌ای. در بیشتر قوانین تملک، توافق مالک و دستگاه‌های اجرایی پذیرفته شده است. طبق مادهٔ

۳ لایحه قانونی، نحوه خرید و تملک اراضی، این امر نیز پیش‌بینی شده است. بدین نحو که بهای عادلۀ اراضی و ابنیه از طریق توافق بین دستگاه اجرایی و مالک تعیین می‌شود و در صورت حصول توافق دستگاه اجرایی باید ظرف مدت حداکثر ۳ ماه به خرید ملک و پرداخت حقوق و یا خسارات اقدام شود یا انصراف خود را از خرید و تملک کتباً به مالک اعلام کند و نیز به موجب قانون مذکور و نیز لایحه نحوه تقویم ابنیه، املاک و اراضی مورد نیاز شهرداری‌ها مصوب ۱۳۷۰، در صورتی که طرفین در خصوص قیمت املاک واقع در طرح ترازی نکنند، بهای (عادلۀ روز) توسط هیئت کارشناسی تعیین می‌شود. همچنین طبق ماده واحده قانون نحوه تقویم ابنیه، املاک و اراضی مورد نیاز شهرداری‌ها، در صورت نبود توافق طرفین، قیمت ابنیه، املاک و اراضی باید به قیمت روز تقویم شود؛ اما در زمینه پرداخت قیمت منطقه‌ای املاک قابل ذکر است. قانونی که پرداخت خسارت را بدین نحو ارزیابی می‌کرد، قانون زمین شهری بوده است که با انقضای مدت مقرر، قانون مذکور در حال حاضر قابلیت اجرایی ندارد و همان‌طور که بیان شد، قانون نحوه تملک اراضی و املاک جایگزین آن شده است. در حال حاضر فقط قانون تعیین تکلیف اراضی واگذاری دولت و نهادها مصوب تشخیص مصلحت نظام در زمینه ارزیابی قیمت منطقه‌ای زمان ابلاغ مصوبۀ مذکور، قابلیت اجرایی دارد. روش‌های جبران خسارت در مسئولیت مدنی، که همان شیوه‌های اجرای تعهد فاعل زیان هستند، بر مبنای اهداف مسئولیت مدنی تعیین می‌شوند. روش جبران باید متناسب با ضرر باشد؛ یعنی بین روش جبران و ضرر وارده سنخیت عرفی برقرار باشد. در نتیجه، روش جبران هر خسارتی، با توجه به

متعلق آن، متفاوت خواهد بود. همان‌گونه که در ماده ۲ قانون مسئولیت مدنی مقرر است، جبران کامل یعنی قرار دادن زیان‌دیده در وضعیت مشابه قبل از وقوع فعل زیان‌بار. قاضی باید با توجه به نوع ضرر وارده، طوری حکم به جبران ضرر کند که زیان‌دیده تا حد امکان در وضعیت قبل از وقوع فعل زیان‌بار قرار گیرد و یا حداقل اگر جبران به عین ممکن نیست، در وضعیت نزدیک به وضع سابق قرار گیرد. مراد از لزوم جبران خسارت این است که قاضی باید حکم به جبران خسارت وارده را صادر کند و حق ندارد از صدور حکم به هر بهانه‌ای خودداری کند. همان‌گونه که در اصل ۱۶۷ ق.ا.بر این موضوع تصریح شده است، این مطلب از دو جهت مهم است: ۱. اعمال آن موجب رفع آثار سوء فعل زیان‌بار از دارایی زیان‌دیده می‌شود و در وضعیت قبل از وقوع فعل زیان‌بار قرار می‌گیرد. ۲. موجب نبود امکان سوءاستفاده زیان‌دیده از مسئولیت مسئول شده است و او نمی‌تواند از این طریق، ثروت و اموال خود را افزایش دهد (حاجی ده-آبادی، ۱۳۹۸، ۹-۳۵).

دو روش کلی برای جبران خسارت وجود دارد: یکی جبران عینی و دیگری جبران بدلی. هر یک از این دو روش نیز اقسامی دارد. این دو روش اغلب به اتفاق نظام‌های حقوقی در کنار هم به کار رفته‌اند و اختلاف نظام‌های حقوقی بیشتر مربوط به نحوه استفاده و ترجیح و تقدمی است که برای هر روش قائل هستند. در حقوق ایران و فقه اسلامی نیز شیوه‌های مذکور پذیرفته شده‌اند و حداقل در زمینه ضررهای مالی، جبران عینی ارجحیت دارد؛ ولی در باب ضررهای وارده به جسم، جبران بدلی تقدم دارد (خزعلی، ۱۳۸۹، ۶۹).

اعاده وضع به حال سابق کند. به موجب ماده ۱۶۵ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ نیز اگر ملک مورد تصرف عدوانی زراعت شده باشد، محکوم له می تواند متصرف عدوانی را به معدوم کردن زراعت و اصلاح آثار تخریبی که توسط وی آنجا انجام گرفته مکلف کند. بازسازی: به موجب ماده ۳۲۹ قانونی مدنی، «اگر کسی خانه یا بنای کسی را خراب کند، باید آن را به صورت اول بنا نماید». در تمامی موارد طرح شده شخص حقوقی هم تراز با شخص حقیقی است و دولت مسئول جبران خسارات وارده به اشخاص از مجرای دادگستری و دیوان عدالت است (بابایی، ۱۳۹۵، ۸۸-۸۹).

۵-۳-۵. رویکرد فقهی در جبران خسارت

در فقه امامیه، یکی از مهم ترین مباحث فقهی، مسئله موجبات ضمان است که منظور از آن التزام زیان زننده به جبران خسارت ها بر مبنای قواعدی همچون اتلاف، تسبیب و غیره است و به این معنا که اصل جبران خسارت مورد پذیرش فقهای امامیه قرار گرفته است. رویه فقهای امامیه در این حوزه چنین است که آن ها بدون آنکه بحث مستقلی را به مقوله خسارات قابل جبران اختصاص دهند و قاعده ای کلی در این باره بنا نهند، به مناسبت، در بحث های مختلف فقهی، معترض مسئله خسارت قابل جبران شده اند و در مباحثی در زمینه قابل جبران بودن بعضی از خسارات و تمیز آن از خسارات غیر قابل جبران مطرح کرده اند (سامانی، ۱۴۰۰، ۸۰).

۵-۳-۶. نظرات حقوقی جبران خسارت

جبران خسارت وارده به اشخاص یکی از مباحث مهم مسئولیت است و این امر در قوانین ایران و نیز در

جبران عینی که گاه در قالب اعاده وضع پیشین زیان دیده یا ترمیم جنسی از آن یاد می شود، یکی از راه های مهم و رایج جبران خسارت در حقوق کشورهای مختلف است. در موضوع سلب مالکیت برگرداندن عین ملک جبران عینی محسوب می شود. این روش جبران خسارت کامل ترین روش و از اهداف مسئولیت مدنی است. جبران بدلی از طریق معادل (پول یا مثل) رایج ترین و مهم ترین روش جبران خسارت زیان دیده در مسئولیت مدنی است. تقریباً در همه نظام های حقوقی جبران زیان از طریق دادن معادل، مهم ترین اصل زیربنایی مسئولیت مدنی است. مطابق این اصل، عامل زیان متعهد است معادلی برابر خسارت ناشی از فعل زیان بار را به زیان دیده تسلیم کند. در اتلاف و تسبیب، در بیشتر موارد امکان جبران عینی ضرر وجود ندارد و بنابراین تنها راه تدارک ضرر دادن معادل به زیان دیده است (حاجی عزیزی، ۸۷، ۱۳۸۰).

دو شیوه اصلی جبران خسارت در عرض هم نیستند تا هر کدام از عامل زیان یا زیان دیده بتواند به میل خود یکی را اختیار کند. اما ترتیب تقدم و تأخر میان آن ها به نظم عمومی ارتباط ندارد. بنابراین طرفین می توانند برخلاف آن تراضی کنند یا دادگاه طریق متناسب را برگزیند (ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی). خلع ید: درباره خلع ید از ملک موضوع تصرف عدوانی، مطابق ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۵)، هر کس به وسیله صحنه سازی از قبیل پی کنی و ... مبادرت به عملیاتی که موجب تخریب شود، یا اقدام به هر گونه تجاوز و تصرف عدوانی یا ایجاد مزاحمت یا ممانعت از حق در موارد مذکور کند، دادگاه موظف است، حسب مورد رفع تصرف عدوانی یا رفع مزاحمت یا ممانعت از حق یا

عرف جامعه نیز مشاهده می‌شود که شخصی در صورت به وجود آوردن خسارت به مال یا حیثیت شخص دیگر، مسئول جبران آن است و بابت جبران آن هر کدام باید به شیوه مقتضی و مناسب خسارات وارده جبران شود. بر همین اساس، در حقوق ایران، قانون‌گذار انواع روش‌های جبران، اعم از مالی و غیر مالی را برای جبران ضرر معنوی پیش‌بینی کرده است. در قالب یک قاعده کلی ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی مقرر می‌دارد: «دادگاه زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد».

ماده ۱۰ قانون مزبور نیز در قالب حکمی خاص، ناظر به قسمتی از ضررهای معنوی یعنی لطمه به حیثیت و اعتبار اشخاص است و مقرر می‌دارد: «کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد می‌شود، می‌تواند از کسی که لطمه وارد آورده است، جبران زیان مادی و معنوی خود را بخواهد. هرگاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید، دادگاه می‌تواند علاوه بر صدور حکم به خسارت احتمالی، حکم به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن را نماید».

همانطور که ملاحظه می‌شود، جبران مالی و غیر مالی توأم با یکدیگر قابل حکم هستند. از این رو، علاوه بر جبران مادی یعنی پرداخت مبلغی پول به زیان‌دیده، قانون‌گذاران راه‌های دیگری را نیز برای جبران خسارت معنوی مورد توجه قرار داده‌اند. خسارت در قانون مدنی ایران به‌طور پراکنده در مواد مختلفی، چه مستقیم و چه غیر مستقیم، به چشم می‌خورد. با نگاهی اجمالی به قانون مدنی هم می‌توان دریافت که قانون مدنی در مباحث غصب، اتلاف و تسبیب بیش

از هر جای دیگری به مسئولیت و خسارات ناشی از آن توجه داشته است. در بحث غصب در قانون مدنی در ماده ۳۲۸ که تا حدی مبتنی بر نظریه خطر است، رابطه علیت و خسارت را می‌توان تفسیر کرد و همین که رابطه مسلم شد، دیگر وجود یا نفی تقصیر تأثیری در ضمان ندارد و به همین دلیل صغیر و مجنون هم در صورتی که خسارتی به دیگری وارد کنند، ملزم به جبران خسارت آن هستند (حدادی، ۱۳۹۳، ۳۵۹-۳۸۳).

قانون‌گذار در بحث ضمان قهری در قانون مدنی، گرایش به فقه امامیه دارد. مهم‌ترین مواردی که در این قانون در شمار منابع مسئولیت مدنی آمده است، غصب و اتلاف (اعم از بالمباشره و بالتسبیب) هستند. در نهاد غصب، جلوه‌های مشابه اصل جبران کامل مشاهده می‌شود: نه تنها درجه تقصیر، بلکه عدم تقصیر و حتی حسن نیت غاصب نیز تأثیری در مسئولیت و میزان آن ندارد که این مشخصه، مشابه قاعده منفی اصل جبران کامل است که مورد نظر فقهای همچون مرحوم میرزای نایینی است. برخلاف اینکه ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، هر کس را مسئول هر گونه زیان نامشروعی که به بار آورد، می‌شناسد؛ اما مقنن در این قانون، به مفاهیمی نزدیک شده است که در حقوق ایران سابق ای ندارد و بیشتر با نظام‌های جبران منصفانه هم‌خوانی دارد. توجه به تقصیر و تأثیر درجه آن بر میزان جبران، از مواد متعدد قانون استنباط می‌شود و دادرسی از اختیار تعدل غرامت بهره‌مند شده است. ماده ۳، دادگاه را مکلف به لحاظ اوضاع و احوال قضیه، جهت تعیین میزان زیان و طریق و کیفیت جبران می‌کند. در ماده ۴ نیز غفلت قابل اغماض را در صورتی که جبران، موجب تنگ‌دستی عامل زیان شود یا هنگامی

مختلف است؛ برای مثال رد عین مال. بر اساس ماده ۳۱۱ قانون مدنی، «غاصب باید مال مغضوب را عیناً به صاحب آن رد نماید...». نکته ضروری این است که در صورت ناقص یا معیوب شدن مال مغضوب، برگرفته از ماده ۳۲۹ قانون مدنی، دو حالت را باید از یکدیگر تفکیک کرد: چنانچه امکان ترمیم مال و بازگشت آن به صورت اول وجود دارد، زیان دیده می تواند الزام عامل زیان را در این راستا بخواهد. در غیر این صورت، عامل زیان افزون بر رد عین مال، باید تفاوت قیمت مال سالم و ناقص را به عنوان خسارت به زیان دیده بدهد (مانند ماده ۳۳۰ قانون مدنی)؛ مگر آنکه نقص یا عیب مال یادشده به نظر دادگاه در حکم تلف تلقی شود که در این صورت نوبت به جبران خسارت «شیوه معادل» می رسد (صفایی، ۱۳۹۴، ۷۷).

۵-۳-۸. جبران خسارت معنوی

خسارات معنوی اصطلاح شایع و در عین حال پر ابهامی است که تعیین مصادیق و ترسیم دقیق قلمرو آن کار آسانی نیست؛ زیرا با اینکه در متون قانونی متعدد به کار رفته است و در نوشته ها و تألیفات حقوق دانان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است، اما در هیچ یک از متون مزبور، تعریفی از خسارت معنوی نشده است. البته در بعضی مواد قانونی به ذکر پاره ای از عناصر مهم تشکیل دهنده خسارت معنوی اشاره شده است. همچون ماده ۸ قانون مسئولیت مدنی که بیان می دارد: «کسی که در اثر تصدیقات یا انتشارات مخالف واقع به حیثیت یا اعتبارات یا موقعیت دیگری زیان وارد آورد، مسئول جبران آن است». یا در ماده ۱۰ همین قانون آمده است: «کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد شود

که زیان دیده، موجبات تسهیل ایجاد ضرر را فراهم کند و یا عامل تشدید آن شود، سبب تخفیف میزان غرامت قابل پرداخت می داند. بدیهی است که این مواد، در تقابل آشکار با قاعده منفی اصل جبران کامل است. خدشه دیگری که بر اصل جبران کامل وارد آمده است، تبعیض در جبران، با توجه به وضعیت عامل زیان است. اگر جبران باید از سوی صغیر یا سرپرست وی صورت گیرد، مقتن نظر مساعدتری به عامل زیان در برابر زیان دیده نشان داده است و مقرر می دارد که جبران نباید سبب عسرت و تنگ دستی جبران کننده شود (ماده ۷). بنابراین، برخلاف نوآوری ها و وجوه ممتاز قانون مسئولیت مدنی، اصل جبران کامل با بیانی که در گذشته معرفی شد در این قانون جایگاهی ندارد و قانون گذار بیش از تعادل خسارت و غرامت به انصاف گرایش داشته است (قسمتی، ۱۳۹۴، ۵۰-۵۱).

۵-۳-۷. جبران خسارت مادی

این نوع خسارت قابل تقویم و تبدیل با پول است و ممکن است به صورت تخریب اموال یا تخریب منافع اموال باشد. از نظر مالی که موضوع خسارت است، این مال می تواند هم اشیای مادی باشد و هم حقوق مالی و یا اشخاص حقیقی. به هر حال، هر یک از مصادیق خسارت مادی، می تواند موضوع شرط تعیین خسارت قراردادی قرار گیرد. آنجا که جبران خسارت متضمن بازگرداندن مادی شیء به حالتی است که در صورت واقع نشدن فعل زیان بار می توانست وجود داشته باشد، جبران عینی به شکل مادی نمود می یابد؛ مانند بازگرداندن مال مصادره شده که به شکل مادی، عین خسارت ناشی از مصادره مال را جبران می کند. جبران عینی مادی به نوبه خود دارای گونه های

است؛ اعم از اینکه قراردادی باشد یا قهری. خسارت فقط یک بار جبران می‌شود و با توجه به اینکه با جبران آن، رفع ضرر از زیان‌دیده صورت گرفته است، ضرری باقی نمانده است تا دوباره جبران شود و حتی در صورتی که خسارت از جانب چند نفر نیز وارد شده باشد، جبران خسارت توسط یکی از عاملان، موجب معافیت دیگر عاملان از مسئولیت می‌شود. هرگاه دولت، با تجاوز به قاعده کلی منع اضرار، به دیگری ضرر بزند، مسئول است؛ خواه به عمد ضرر وارد کرده باشد یا از روی اشتباه و خطا (مواد ۳۲۸ به بعد ق.م). لزوم جبران ضررهای وارد شده به یک شخص را مسئولیت مدنی گویند و شخص، مسئول جبران خسارت و زیان وارد شده است. باید بدانیم اضرار به دیگران، حتی به خود نارواست. بنابراین باید در درجه نخست، ریشظ ضرر از بین برود و آنگاه تا جایی که امکان دارد، وضع زیان‌دیده به صورت پیشین خود برگردانده شود. از بین بردن ضرر معنوی نیز از این قاعده مستثنی نیست و ناظر به حیثیت فرد است و از ضررهای آینده نیز پیش‌گیری می‌کند. ولی ضررهایی که در گذشته نیز وارد شده است باید جبران شود. جبران زیان‌های وارد شده، در ضررهای معنوی که حیثیت و ارزش انسانی فرد مورد لطمه واقع شده است، به گونه‌ای نیست که وضع زیان‌دیده به صورت پیشین خود برگردد؛ اما حداقل زمینه تسکین آلام فرد را فراهم می‌کند؛ زیرا زمان به گذشته بر نمی‌گردد. ناگزیر باید تا جایی که عرف لازم می‌داند، ضرر معنوی توسط دولت جبران شود. در نتیجه علاوه بر از بین بردن منبع ضرر، باید زیان‌هایی که تا زمان اجرای حکم به زیان‌دیده وارد شده است نیز جبران شود. پرداخت وجه نقد، رایج‌ترین و مهم‌ترین روش جبران خسارت در

می‌تواند از کسی که لطمه وارد آورده، جبران زیان مادی یا معنوی خود را بخواهد». در تبصره ۱ ماده ۱۴ قانون آئین دادرسی کیفری نیز آمده است، ضرر و زیانی قابل مطالبه است که به شرح زیر باشد: ضرر و زیان معنوی که عبارت است از کسر حیثیت یا اعتبار اشخاص یا صدمات روحی. از مجموع قوانین مصوب در این زمینه چنین استفاده می‌شود که خسارات وارده بر حیثیت و آبروی افراد یا اعتبار اجتماعی اشخاص از جمله خسارات معنوی است؛ ولی بی‌تردید خسارات معنوی محدود به این نیست و مصادیق بسیار دیگر نیز دارد که در مواد قانون مورد توجه قرار نگرفته است؛ از جمله:

۱. صدمات عاطفی، مانند بی‌توجهی غیر قابل تحمل هر یک از زوجین به دیگری یا آزردن فرزند در مقابل مادر یا پدر او یا برعکس.
۲. بعضی لطمات روحی از قبیل تهدید یا ترساندن شخص یا دادن خبر ناگوار یا اهانت به معتقدات مذهبی و مقدسات اشخاص و امثال آن که معمولاً جنبه حیثیتی دارد و به اعتبار اجتماعی یا شخصی فرد خدشته وارد می‌سازد.
۳. تأملات جسمانی مانند شکنجه بدنی یا درد ناشی از ضرب و جرح و امثال آن که با مقولات قبل، کامل متفاوت است (صادقی مقدم، ۱۳۹۰، ۲۳۹).

اداره حقوقی قوه قضائیه به وضوح تمایل خود را بر ضرورت جبران خسارت معنوی از طریق مابه ازای مالی ابراز داشته است. زیرا به کار بردن اصطلاح «مطالبه» در مقام جبران خسارات معنوی که دارای بار حقوقی خاص است و همواره در مقام درخواست پرداخت اموال یا وجوه مالی به کار می‌رود، دلیل روشنی بر این امر محسوب می‌شود. جبران ضرر مادی یا معنوی یکی از اهداف اصلی مسئولیت مدنی

۶. نتیجه‌گیری

تقابل اقتدار دولت و حقوق افراد، مبحثی تاریخی بین حاکمیت و حق است. آنچه از مبانی مسئولیت استنباط می‌شود، این است که هیچ خسارتی نباید بدون جبران باقی بماند. به محض اینکه ضرر وارده غیر قانونی باشد و قابل انتساب به فعل زیان‌بار شخصی باشد، بر اساس قواعد غرامت، ضرر، انتساب، ضمانت و ضمان غرور، آن شخص مسئول جبران خسارت است. برای خسارت وارده در این فرمول کلی، فرقی نمی‌کند که عامل ضرر شخص حقیقی باشد یا حقوقی؛ اعم از دولتی یا غیر دولتی، اعم از خسارت مالی یا جانی، خواه عین باشد یا منفعت؛ همین که متعارف است که ضرر ناروا به کسی نسبت داده شود، او ضامن جبران آن است. یکی از آثار حاکمیت قانون، حاکمیت آن بر افعال و اعمال قدرت است که نتیجه آن، مسئولیت دولت در قبال خساراتی است که در جریان فعالیت‌ها و اعمال خود به دیگران وارد می‌کند. اعمال حاکمیت دولت، چنانچه اقدامات لازم برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون و ایجاد خسارات دیگر انجام شود، دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود. در اینجا توضیح سه نکته ضروری به نظر می‌رسد: اول اینکه مبنای مسئولیت در این مقاله بر نظریه تقصیر استوار است و تقصیر شخصی از تقصیر دولتی جدا می‌شود. این بدان معناست که اگر خسارت وارده به مردم ناشی از تقصیر شخصی کارمند یا کارگزار دولتی باشد، باید در قبال تقصیر شخصی خود پاسخگو باشد. اما اگر دلیل خسارت، مستند به اقدامات کارمند نباشد، بلکه به دلیل خرابی وسایل و ابزار کار باشد، در این صورت اداره یا نهاد مربوطه مسئول آن است. دوم، مسئولیت دولت فقط شامل اقدامات اداری آن می‌شود؛ حتی

مسئولیت مدنی به شمار می‌رود و به دلیل سهولت، توجه دادگاه‌ها را به خود جلب کرده است؛ به‌ویژه آنکه اغلب زیان‌های غیر مالی (زیان به جسم، آبرو، منفعت اقتصادی و حقوق قانونی اشخاص)، از این طریق جبران می‌شود. هرچند به نظر می‌رسد، افزون بر پرداخت وجه نقد، اقداماتی همچون عذرخواهی، انتشار حکم محکومیت، رفع مزاحمت و اعاده به کار نیز لازم است. در صورت صدور حکم به پرداخت مبلغی پول، زیان‌دیده ملزم نیست آن را صرف جبران خسارت کند (کاتوزیان، ۱۴۰۱، ۱۶۳).

۵-۳-۹. جبران خسارت عدم‌النفع

قسمت آخر ماده ۷۲۸ قانون آئین دادرسی مدنی قدیم، تقویت منفعت را نیز قابل مطالبه می‌دانست: «ضرر ممکن است از بین رفتن مالی باشد و یا به واسطه فوت شدن منفعتی که از اجرای تعهد حاصل می‌شده است» که در آن غرض از تقویت منفعت، از بین رفتن منفعت محقق بود؛ یعنی آن منفعتی که اگر متعهد به تعهد خود عمل می‌کرد، حتماً نفعی نصیب متعهد می‌شد. هرگاه منفعت مال شخصی به ناحق در اختیار دولت باشد، باید به صاحب مال برگردد. هرگاه مال معیوب یا ناقص شده باشد، در صورت امکان، عیب و نقض آن مال باید برطرف شود و به صورت پیشین خود درآید؛ وگرنه باید تفاوت قیمت بین مال سالم و ناقص به مالک داده شود تا خسارت مالک از دید عرف جبران شود. با وجود این هرگاه مال معیوب و ناقص مانند سپر اتومبیل، مثلی باشد، به مالک اختیار مطالبه مثل را در حالت نبود امکان عرفی رفع عیب و نقص نیز داده‌اند (بابایی، ۱۳۹۵، ۷۶-۷۸).

اگر موجب ضرر عده‌ای شود. در راستای نتایج پژوهش حاضر، فرضیه تحقیق بدین گونه به اثبات رسید که لزوم جبران خسارات در قامت یک اصل کلی، در حال حاضر، هم در قبال اعمال حاکمیتی دولت و هم اعمال تصدی‌گری دولت، قابل اجرا است. برخلاف اینکه اصل لزوم جبران خسارات در ارتباط با اعمال حاکمیتی و تصدی‌گری وجود دارد، اما آثار این اصل در حوزه‌های مزبور متفاوت است. در حوزه تصدی‌گری، فرآیند جبران بدین صورت اعمال می‌شود که ابتدا، اصل بر اعاده به وضع سابق است؛ یعنی اگر دولت موجبات ورود خسارات به دیگران را فراهم کند، ابتدا به ساکن باید وضعیت ایجادشده را به حالت سابق بازگرداند و در صورتی که اعاده وضع به حال سابق ممتنع باشد، دولت باید از طریق پرداخت غرامت به جبران ضررهای وارده بپردازد. درحالی که در حوزه حاکمیتی اصل بر پرداخت غرامت است و در ابتدا، اعاده به وضع سابق به واسطه اعمال حاکمیت و حفظ منافع عمومی، موضوعیتی ندارد.

۷. تقدیر و تشکر

ابراز نشده است.

۸. سهم نویسندگان

همه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۹. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

- ابوالحمد، عبدالحمید، حقوق اداری ایران، مشهد، انتشارات توس، ۱۳۷۰.
- بابایی، ایرج، «نقد اصل قابل جبران کلیه خسارات در حقوق مسئولیت مدنی»، مجله پژوهش‌های حقوق کیفری، دوره ۵۶، شماره ۲، ۱۳۹۵.
- بوشهری، جعفر، حقوق اساسی، چاپ پنجم، جلد ۱، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۱.
- جلالی، محمد، حسنوند، محمد، میری، ایوب، «تفکیک صلاحیت دیوان عدالت اداری و دادگاه عمومی در دعاوی مسئولیت مدنی علیه دولت»، مجله حقوقی دادگستری، پاییز، شماره ۹۹، ۱۳۹۶.
- حاجی ده‌آبادی، احمد، «طبقه‌بندی مجازات‌ها در قانون مجازات اسلامی؛ جایگاه تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده»، مجله حقوق دادگستری، شماره ۶۹، ۱۳۸۹.
- حاجی‌عزیزی، بیژن، «روش‌های جبران خسارت در مسئولیت مدنی»، ماهنامه دانشور، سال ۹، شماره ۳۶، ۱۳۸۰.
- حدادی، مهدی، «تعهد به جبران خسارت دولت در برابر فرد در حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت»، پاییز و زمستان، دوره ۱۱، شماره ۲، ۱۳۹۳.
- خزعلی، محمدرضا، روش‌های جبران خسارت در حقوق ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، ۱۳۸۹.
- دیلمی، حسن‌بن محمد، ارشاد القلوب، ج ۱، قم، شریف الرضی، ۱۴۰۹.
- دیلمی، حسن‌بن محمد، ارشاد القلوب، ج ۱، قم، شریف الرضی، ۱۴۰۹.
- دیلمی، حسن، ارشاد القلوب، قم، رضی، جلد ۱، ۱۴۱۲.
- سامانی، احسان، وحدتی شبیری، سیدحسن، «تحلیل فقهی حقوق مسئولیت مدنی دولت نسبت به اعمال زیان‌بار حاکمیتی در قبال شهروندان»، فصلنامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری، بهار، سال سوم، شماره ششم، ۱۴۰۰.
- شعیری، محمدبن محمد، جامع الأخبار، نجف، مطبعة حیدریه، ۱۴۱۰.
- شهید ثانی، زین‌الدین، منیه المرید فی ادب المفید و المستفید، نجف، مکتب الإعلام الاسلامی، ۱۴۰۱.
- صادقی مقدم، محمدحسن، نوری یو شانلوئی، جعفر، «تحول مسئولیت مدنی در حقوق ایران و فرانسه با تأکید بر شناسایی خسارت غیر ترمیمی»، فصلنامه حقوق، ۱۳۹۰، زمستان، دوره ۴۱، شماره ۴، ۱۳۹۰.
- صفایی، ذاکری‌نیا، «بررسی تطبیقی شیوه‌های جبران خسارت در مسئولیت مدنی غیر قراردادی»، نشریه مطالعات حقوق خصوصی، شماره ۲، ۱۳۹۴.
- غمامی، مجید، مسئولیت مدنی دولتی نسبت به اعمال کارکنان خود، تهران، دادگستر، ۱۳۷۶.
- قسمتی، علی، «اصل جبران کامل زیان»، مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال ۷، شماره ۱۳، ۱۳۹۴.
- کاتوزیان، ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد، تهران، میزان، ۱۳۷۹.
- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، تهران، گنج دانش، ۱۴۰۱.
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، قم، دارالکتب الاسلامیه، جلد ۷۴، ۱۳۱۵.

- هوشمند فیروزآبادی، حسین، جاور، حسین و زرگریان، طاها، «مسئولیت مدنی دولت در قبال رفتار زیان بار حاکمیتی، حکومت اسلامی»، تابستان، پیاپی ۹۶، ۱۳۹۹.

منابع انگلیسی

- Boughey, Janina, Rock, Ellen, Weeks, Greg, Government Liability: Principles and Remedies, London: LexisNexis Butterworths; 2019.
- Creutz, Katja, State Responsibility in the International Legal Order: A Critical Appraisal, Cambridge, Cambridge University Press; 2020.
- Ferguson, Margaret Robertson, The Executive Branch of State Government: People, Process, and Politics. New York: ABC-CLIO; 2006.
- Provost, René, State Responsibility in International Law. London: Taylor & Francis, 2017.
- Ruys, Tom, Angelet, Nicolas, Ferro, Luca, The Cambridge Handbook of Immunities and International Law. Cambridge: Cambridge University Press; 2019.
- Simpson, Brian P. A Declaration and Constitution for a Free Society: Making the Declaration of Independence and U.S. Constitution Fully Consistent with the Protection of Individual Rights, London: Rowman & Littlefield; 2021.
- Yang, Xiaodong, State Immunity in International Law, Cambridge: Cambridge University Press; 2012.